



۷۶ سال پس از انفجار اتمی هیروشیما و ناکازاکی

آمریکا نخستین جنایتکار هسته‌ای جهان



۷۶ سال پیش در چنین تاریخی یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های تاریخ بشر فقط با اشاره یک روزنامه‌نگار سهیل سید جمالی

دکمه توسط خلبان آمریکایی رقم خورد. شهر نا‌اکازاکی در چنین روزی (۹ آگوست) در سال ۱۹۴۵ میلادی با سلاح هسته‌ای مورد هدف قرار گرفت. سه‌روز قبل از آن نیز (۶ آگوست ۱۹۴۵) شهر هیروشیما مورد حمله هسته‌ای قرار گرفته بود. اتفاقی که نه‌تنها در آن زمان آثار و نتایج مهلک و باورنکردنی بر جای گذاشت، بلکه هنوز دستمایه کشمکش‌های سیاسی در جهان امروز است. بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و نا‌اکازاکی را شاید بتوان تراژیک‌ترین واقعه در تاریخ قلمداد کرد. بعد از محاصره برلین توسط نیروهای متفقین و خودکشی آدولف هیتلر رهبر آلمان نازی در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۴۵، عملا اروپا که محور اصلی و هسته مرکزی آغاز جنگ دوم جهانی بود تحت کنترل نیروهای اتحاد جماهیر شوروی، ایالات‌متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا و فرانسه درآمد. اما در این وضعیت نیز جنگ جهانی کماکان ادامه داشت، زیرا یکی از نیروهای سمت متحدین یعنی ژاپن هنوز شکست‌ناپذیرفته بود و همچنان در اقیانوس آرام شرقی و جزایر این محدوده، مشغول جنگ با ناوگان دریایی ایالات‌متحده بود. آلمان در تاریخ هشتم مه ۱۹۴۵ شکست خورد و چهار ماه پس از آن نیز ژاپن به صورت بی‌قید و شرط ژاپن در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ تسلیم شد. تسلیم شدن ژاپن اما فتاوتی بزرگ با شکست آلمان داشت زیرا در آن از سلامتی استفاده شد که تا پیش از این وجود نداشت. آمریکا با پرتاب دو بمب اتمی روی شهرهای هیروشیما و نا‌اکازاکی با دست‌زدن به جنایتی علیه بشریت دشمن خود را وادار به تسلیم کرد.

پروژه منهتن

در آن سال‌ها علم فیزیک هسته‌ای و اتمی که از زیرشاخه‌های فیزیک مدرن ماکس پلانک بود، علمی محبوب و رو به رشد بین کشورهایی مانند آلمان، اتحاد جماهیر شوروی، اتریش، ایتالیا، سوئیس و ایالات‌متحده به حساب می‌آمد. دقیقا در دورانی که فیزیکدانانی مانند آلبرت انیشتین، رابرت اتوهان، انریکو فرمی، رابرت اوپنهایمر و جان فون نویمان روی مساله شکافت هسته‌ای در اتم‌ها و ساختار زیر اتمی مواد کار می‌کردند آتش جنگ جهانی دوم تمام جهان را در کام نابودی و مرگ فروبرد. آلمان و اروپای مرکزی در آن زمان در این علم پیشتاز به حساب می‌آمد اما سیاست‌های نژادپرستانه و رادیکال حزب نازی آلمان و شخص آدولف هیتلر موجب شد بسیاری از این دانشمندان که عمدتا یهودی تبار بودند مانند آلبرت انیشتین از اروپا فرار کرده و رهسپار سرزمین دور از جنگ آن دوران یعنی آمریکا شوند. از سال ۱۹۴۱ که نظامی خود را به اروپا گسیل کرد وضعیت جنگ کاملا به نفع متفقین و به ضرر متحدین عوض شد. آمریکا ابرقدرتی نوظهور، ثروتمند و تازه‌نفس بود که از گزند بمباران‌ها و حملات نازی‌ها به دور مانده بود و همین موضوع باعث شده بود این کشور مانند سرزمین‌های اروپایی به پیرانی کشیده نشود و زندگی آرامی داشته باشد. در آن زمان گزارش‌ها و شایعاتی به گوش می‌رسید که نشان می‌داد نیروهای آلمان نازی درحال آزمایش روی نوعی سلاح مخرب هستند که توسط شکافت هسته اتم‌های عنصر اورانیوم می‌تواند برگ‌برنده را به دست آدولف هیتلر در جنگ بدهد. در همان زمان آلبرت انیشتین در نامه‌ای به رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده فرانکلین روزولت درخواست کرد طرح ساخت سلاح هسته‌ای را مورد بررسی قرار داده و آزمایشگاه‌های مورد نیاز را در اختیار فیزیکدانان قرار دهد تا آنها بتوانند روی سلاحی مشابه آلمان‌ها کار کنند که به واسطه آن بتوانند نازی‌ها را شکست داده و جنگ جهانی را با پیروزی به پایان برسانند. در نهایت فرانکلین روزولت دموکرات این طرح را پذیرفت و اولین مرکز تحقیقات نظامی هسته‌ای در آزمایشگاه ملی لاس آلاموس در ایالت نیومکزیکو تحت‌رهبری رابرت اوپنهایمر شروع به کار کرد. در همان زمان در دانشگاه شیکاگو، انریکو فرمی روی شکافت هسته‌ای و آزادسازی انرژی حاصل از آن در اولین رآکتور تحقیقاتی جهان مشغول فعالیت‌بود. در نهایت تیمی از فیزیکدانان، شیمی‌دانان و ریاضی‌دانان تشکیل شد و در آزمایشگاه ملی لاس‌آلاموس کار روی ساخت اولین جنگ‌افزار هسته‌ای جهان به صورت کاملاً مخفیانه آغاز شد. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و وزارت دفاع مسئولیت کنترل و حفاظت تحقیقات را برعهده داشتند. این عملیات با نام «پروژه منهتن» آغاز به کار کرد. زمانی که آلمان شکست را پذیرفت، نیروهای متفقین از ژاپن خواستند تا با پذیرش شکست به جنگ جهانی دوم خاتمه دهد اما ژاپنی فکر می‌کردند

می‌توانند بر آمریکا غلبه کنند و در نهایت از متفقین امتیازات بیشتری بگیرند. بعد از گذشت سه‌ماه از سقوط آلمان، جنگ در اقیانوس آرام در اوج خود بود و ناوها و هواپیماهای جنگی آمریکایی در دریا و آسمان مشغول جنگ با هواپیماها و کشتی‌های ژاپنی بودند. رئیس‌جمهور روزولت در ماه‌های پایانی جنگ به علت بیماری روماتیسم قلبی از دریافت و معاون او، هری ترومن طبق قانون اساسی جانشین وی شد.

پسر کوچک

در نهایت به فرمان هری ترومن در ۶ آگوست ۱۹۴۵ بمبی هسته‌ای با اسم رمز «پسر کوچک» به‌وسیله هواپیمای بوئینگ بی-۲۹ به نام «انولاگی» با خلبانی سرهنگ پل تیت از اسکادران ۳۳۹d نیروی هوایی آمریکا در شهر هیروشیما انداخته شد. این اولین بمبی بود که به‌عنوان سلاح هسته‌ای استفاده شد. این سلاح قدرت انفجاری خود را از شکافت هسته‌ای اورانیوم-۲۳۵ به دست می‌آورد. مقدار اورانیوم استفاده‌شده در بمب پسر کوچک ۶۴ کیلوگرم بوده است.

مرد چاق

بمب دوم «مرد چاق» سه روز بعد روی شهر نا‌اکازاکی انداخته شد. نا‌اکازاکی دومین و آخرین شهری است که در جنگ جهانی دوم و مورد حمله بمب اتمی آمریکا قرار گرفت. بمب مرد چاق در مقایسه با بمبی که در هیروشیما منفجر شد(پسر کوچک)، گردتر، قطورتر و ویرانگرتر بود. این بمب خمه‌رای یا تخم‌مرغی شکل بود و سه‌متر و ۳۰ سانتیمتر طول داشت. قطر آن یک‌ونیم متر، وزن ۴/۵ تنی و در بردارنده حدود ۱۰ کیلوگرم پلوتونیوم-۲۳۹ بود که بمب اتمی از نوع شکافت محسوب می‌شود. نام این بمب از یکی از شخصیت‌های رمان «شاهین مالت» نوشته دششیل همت، نویسنده آمریکایی داستان‌های پلیسی گرفته شد. رابرت سربر، یکی از شاگردان رابرت اوپنهایمر (پدر بمب اتمی)، این نام را برای آن انتخاب کرد. بمب‌های کدوتیل توسط پروژه منهتن برای استفاده نیروی هوایی ارتش آمریکا در ژاپن در اثنای جنگ جهانی دوم ساخته شدند که نزدیک به بمب پلوتونیوم و با همان ویژگی‌های بالستیک و تخریب بود، اما از مواد غیرهسته‌ای یا توان انفجاری بالا استفاده می‌کرد.

تاثیرات بمباران

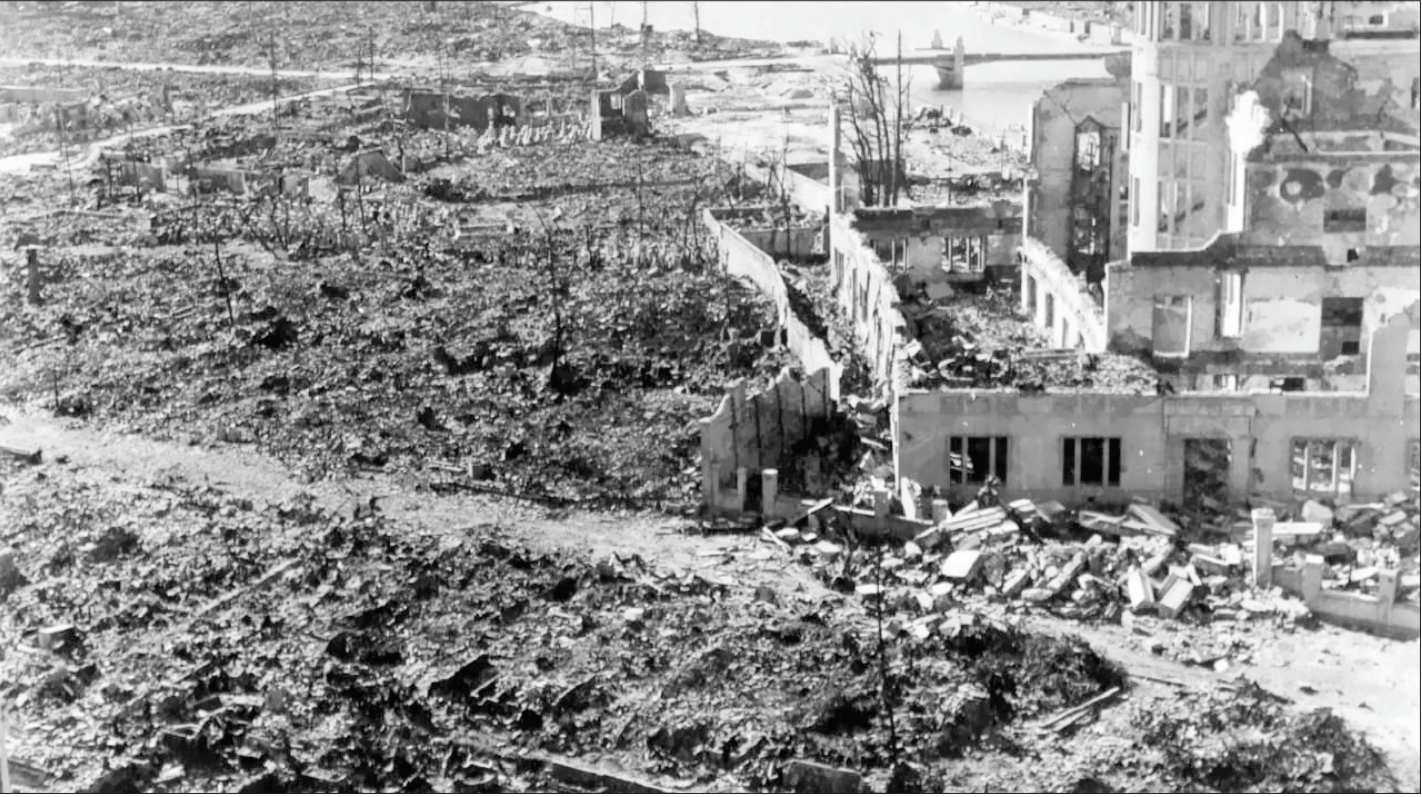
بعد از بمباران این دو شهر امپراتوری ژاپن شکست در جنگ جهانی را پذیرفت و در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ رسماً جنگ دوم جهانی پایان یافت. اما تاثیرات این بمباران‌ها روی زندگی هزاران نفر از شهروندان این دوشهر تا سال‌ها روی بازماندگان و حتی زمین‌های کشاورزی و دام‌های آنها باقی ماند. حدود ۲۲۰ هزار نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که شامل ۲۰ هزار نظامی ژاپنی بود و بقیه را شهروندان غیرنظامی تشکیل می‌دادند. بیش از ۱۰۰ هزار نفر بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا

پایان سال ۱۹۴۵ بر اثر اثرات مخرب تشعشعات رادیواکتیو جان خود را از دست دادند. بمباران هسته‌ای هیروشیما و نا‌اکازاکی تا امروز تنها موارد استفاده جنگی از سلاح هسته‌ای در جهان است. حتی خلبانی که مسئول هدایت بمب افکن مجهز به بمب پسر کوچک بود بعد از بازگشت به خاک آمریکا و مطلع شدن از اثر انفجار آن بمب، بعد از مدتی به بیماری روانی دچار شد و در نهایت در بیمارستان مخصوص بیماران روحی و روانی در آمریکا خودکشی کرد.

اما متأسفانه نه‌تنها این حادثه در تاریخ بشر باعث نشد که سیاستمداران از آن درس عبرت بگیرند و تحقیقات و توسعه در زمینه جنگ‌افزارهای کشتار جمعی را متوقف کنند بلکه دقیقا بعد از پایان جنگ جهانی و آغاز رقابت‌های بین دو ابرقدرت جهان اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا جنگ سرد آغاز شد و رقابت برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای قدرتمندتر، کشنده‌تر و ویرانگرتر در دستور کار این قدرت‌های جهانی قرار گرفت تا جایی که حتی در دهه ۵۰ میلادی آنقدر تنش و رقابت بین این قدرت بالا گرفت که جهان تا مرز تجربه یک جنگ هسته‌ای دیگر این بار به‌صورت فراگیر پیش رفت. آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی تنها قدرت‌هایی نبودند که عطش و طمع داشتن قدرت برتر آنها را به جنون رسانده بود بلکه دیگر کشورهای دیگری مانند بریتانیا، فرانسه و چین هم در خلال دوران جنگ سرد ساخت سلاح‌های هسته‌ای را در راس پروژه‌های نظامی و ملی خود قرار دادند.

حتی آنها پا را یک قدم فراتر گذاشتند و سلاحی مرگبارتر ساختند که امروز با نام بمب هیدروژنی یا گرمای هسته‌ای شناخته می‌شود. این سلاح نوعی بمب هسته‌ای است که انرژی آن ابتدا از طریق فرایند شکافت هسته‌ای تامین می‌شود و گرما و فشار حاصله از این انفجار باعث شروع فرآیند هم‌جوشی هسته‌ای می‌شود. به همین دلیل بمب‌های گرم‌هسته‌ای انرژی بسیار بیشتری از بمب‌های هسته‌ای تک‌مرحله‌ای آزاد می‌کنند. این بمب‌ها از آن‌رو به «بمب هیدروژنی» معروف شده‌اند که فرایند همجوشی هسته‌ای با استفاده از هیدروژن انجام می‌شود.

نخستین آزمایش این نوع بمب در سال ۱۹۵۲ توسط ایالات‌متحده آمریکا انجام شد. یک سال بعد اتحاد جماهیر شوروی نیز این بمب را ساخت و در سال‌های بعد بریتانیا، فرانسه و چین نیز به تولید و آزمایش آن اقدام کردند. امروزه تقریباً تمام بمب‌های هسته‌ای این پنج کشور که در حالت عملیاتی و فعال قرار دارند از این نوع است. این نوع سلاح، با ایجاد یک انفجار اورانیومی یا پلوتونیومی، دمایی معادل چندین میلیون درجه سلسیوس ایجاد می‌کند. ایزوتوپ‌های هیدروژنی که در بمب به کار رفته‌اند، تحت این شرایط با یکدیگر جوش می‌خورند و به هلیوم تبدیل می‌شوند و در این هم‌جوشی، انرژی بسیاری زیادی را آزاد می‌سازند. بنابراین در این نوع بمب، ترکیبی از شکاف هسته‌ای و هم‌جوشی هسته‌ای به کار رفته است. بمب اتمی نسبتاً کوچکی که شهر ژاپنی هیروشیما را نابود کرد، قدرت انفجاری معادل ۲۰ هزار تن تی‌ان‌تی، که یک ماده انفجاری عادی امروزی است، داشت. در مقابل، بزرگ‌ترین بمب هیدروژنی‌ای که تاکنون برای آزمایش منفجر شده، قدرتی معادل ۵۰ مگاتن تی‌ان‌تی داشته است. نام این بمب تزار بود که اتحاد جماهیر شوروی



آن را در سال ۱۹۶۱ آزمایش کرد. این قدرت انفجاری ۲۵۰۰ برابر قدرت انفجاری بمب هیروشیماست. ژاپن برای دهه‌ها دست به گریبان تاثیرات این بمباران‌ها بر سر مردم خود بود. شهرهای هیروشیما و نا‌اکازاکی تبدیل به تلی از خاک شدند، اغلب کسانی که محل زندگی‌شان در نزدیکی محل انفجار بود به خاکستر تبدیل شدند و آنهایی که در مناطق حومه شهر بودند و از این انفجارها جان سالم به در برده بودند نیز تا سال‌ها با اثرات انفجار دست‌وپنجه نرم می‌کردند. خاک و آب این شهرها و مناطق اطراف آنها آلوده به تشعشعات رادیواکتیوئه شده بود و برای مصارف خانگی، کشاورزی و صنعتی غیرقابل استفاده شده بود. آلودگی تا حدی بالا بود که سال‌ها بعد وقتی کودکانی که از نسل‌های بعدی به دنیا می‌آمدند فقط شاید اسم جنگ دوم جهانی و سلاح هسته‌ای را از کتاب‌های درسی خود می‌شنیدند و می‌خواندند، با نارسایی‌های عصبی- مغزی، بیماری‌های پوستی و مشکلات تنفسی و قلبی با حتی نقص عضو مواجه بودند. نسلی که هیچ نقشی در زیاده‌خواهی طراحان آن جنگ نداشتند فقط محکوم به تحمل تبعات زیاده‌خواهی‌ها و کشمکش‌های بین سیاستمداران کشورها ابرقدرت بودند.

حتی زمانی که باراک اوباما و هیات دولت او در سال ۲۰۱۵ میلادی برای نشست گروه «جی۷» در ژاپن به این کشور سفر کرده بودند در دیدار از نماد یادبود فاجعه هیروشیما، از مردم ژاپن دلجویی کرد و در صحبت‌هایی خطاب به خبرنگاران گفت این فاجعه به ما می‌آموزد که جنگ‌و زیاده‌خواهی میان بشریت می‌تواند چه عواقبی داشته باشد و دنیا باید راه دیپلماسی و سازش با یکدیگر را در پیش بگیرد، اما نه باراک اوباما و نه وزیر امور خارجه دولت وی جای کری به خاطر این جنایت از مردم ژاپن عذرخواهی نکردند.

ادامه زیاده‌خواهی هسته‌ای ابرقدرت‌ها در طول جنگ سرد

پس از پایان جنگ دوم جهانی دانشمندان در آمریکا به تحقیق در رابطه با تسلیحات هسته‌ای ادامه دادند. اگرچه این تصور وجود داشت که هیچ کشور دیگری در دنیا نمی‌تواند تا پیش از سال ۱۹۵۵ به فناوری ساخت سلاح هسته‌ای دست یابد، اما کلاوس فیوکس یکی از فیزیکدانان آلمانی که در رابطه با مواد فوق انفجاری (High Explosive) با تیم اوپنهایمر همکاری می‌کرد، طرح‌ها و جزئیات طراحی بمب آزمایش شده در «ترینیتی» را در اختیار جاسوسان شوروی قرار داد. به این ترتیب در ۲۹ آگوست ۱۹۴۹ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اولین آزمایش اتمی خود را با موفقیت انجام داد و غرب را در وحشت فرو برد. این انفجار اثر زیادی در تسریع جنگ سرد گذاشت و باعث تشدید رقابت تسلیحاتی بین آمریکا و شوروی شد. پس از آن آمریکا جهت حفظ برتری تسلیحاتی خود، تحقیق برای ساخت بمب گرم‌هسته‌ای (هیدروژنی) را آغاز کرد. پیش از این رابرت اوپنهایمر به دلیل اتخاذ مواضعی علیه ساخت تسلیحات هسته‌ای از سرپرستی

این انفجار شامل دستگاه‌های تیرید به بیش از ۶۵ تن می‌رسید. از آنجایی که در این سیستم مستقیماً از ایزوتوپ‌های دوتریوم و تریتیوم مایع استفاده می‌شد، به آن لقب بمب خیس داده بودند. پیش‌بینی می‌شد قدرت این انفجار معادل یک یا دو مگاتن تی‌ان‌تی باشد. اما برخلاف انتظار شدت انفجار معادل ۱۰٫۴ مگاتن تی‌ان‌تی بود. نتایج انفجار بسیار هراسناک بود. قطر گوی آتشین حاصل از این انفجار به پنج کیلومتر رسید. جزیره الوگالب تقریباً تبخیر شد و حفره‌ای به عمق ۸۰۰ متر و شعاع دهانه سه کیلومتر بر جای ماند.

پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) در حال حاضر و با گذشت بیش از ۷۰ سال از بمباران هسته‌ای شهرهای ژاپن، کشورهایی که خود بزرگ‌ترین سازندگان و اشاعه‌دهندگان این نوع جنگ‌افزارها هستند، سیستم قوانین و نظم جهانی را شکل داده و با داشتن کرسی دائم در شورای عالی امنیت و کنترل اهرم‌های فشار در آژانس بین‌المللی هسته‌ای، کشورهای جهان را ده‌ها سال است برای پیگیری فناوری هسته‌ای تحت فشار قرار می‌دهند و با اعمال تحریم‌های گسترده کشورهای جهان را از داشتن این فناوری محروم می‌کنند. به‌عنوان مثال رژیم صهیونیستی در خاورمیانه بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای را در اختیار دارد و حتی پروتکل عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را که به اختصار «ان‌پی‌تی» نام دارد، امضایی کند و به مفاد آن پایبند نیست. تل‌آویو مدعی است به دلیل حضور بین کشورهای عربی و مسلمان و برای حفظ تأمین امنیت خود در این منطقه، حق دارد زرادخانه‌مملو از کلاهک‌های اتمی و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی را ایجاد کند. رژیم صهیونیستی حتی پا را فراتر گذاشته و از دهه ۶۰ میلادی این دکترین را برای سیاست منطقه‌ای خود تعریف کرده است که هیچ کدام از کشورهای اسلامی و خاورمیانه‌ای نباید به دانش و فناوری هسته‌ای دست یابند و این دکترین محافظه کارانه را تا امروز محور اصلی در سیاست خارجی و امنیتی خود قرار داده است. حتی تا جایی این مساله برای این رژیم مهم و حیاتی تلقی می‌شود که در هفتم ژوئن ۱۹۸۱ در عملیاتی به نام «عملیات اپرا» با عملیات بابل، تاسیسات هسته‌ای عراق را مورد حمله قرار داد. این عملیات در جریان جنگ ایران و عراق، توسط نیروی هوایی رژیم صهیونیستی علیه تاسیسات اتمی عراق به نام «اوسیراک» صورت گرفت.

در حال حاضر رژیم صهیونیستی و لابی‌های آنها در کشورهای قدرتمند جهان با همراهی آمریکا، کشورهای اروپایی و دیگر متحدان شان ایران را به اتهام تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای به مدت دو دهه است تحت فشارهای بین‌المللی و سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی و سیاسی قرار داده‌اند. کشورهایی که ایران را متهم به تلاش برای ساخت سلاح هسته کرده‌اند، خود دارای انبارها و زانغه‌های سلاح‌های هسته‌ای و حتی هیدروژنی هستند و سابقه استفاده از این جنگ‌افزارهای مرگبار و مخرب را در کارنامه خود طی ۷۰ سال گذشته ثبت کرده‌اند؛ از بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و نا‌اکازاکی گرفته تا آزمایش‌های اتمی و هیدروژنی در اقیانوس آرام در خلال جنگ سرد.

طنز تلخی که در جهان سیاست بیش از هر چیزی به چشم می‌آید، آن است که کشورهایی خود را پایبند به این معاهده هسته‌ای می‌دانند و برای کشورهای دیگر جهان نقش یک ناظم اخلاقی را بازی می‌کنند که خود به هیچ یک از مفاد این پروتکل عمل نمی‌کنند. برای مثال دولت بریتانیا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ طرح‌هایی را به امضا رساند که طبق آن ارتش این کشور باید تمام کلاهک‌های اتمی خود و زیردریایی‌های جنگی حامل سلاح‌های هسته‌ای را به‌روزرسانی کند. آمریکا که خود را طلایه‌دار مبارزه با اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در جهان می‌داند، در دوران زمامداری دونالد ترامپ به بهانه خطر روسیه و چین با پیشنهاد جان بولتون مشاور عالی امنیت ملی رئیس‌جمهور در آن زمان، این معاهده را به حالت تعلیق درآورد. کشور فرانسه نیز از به‌روزرسانی سیستم‌های جنگی هسته‌ای خود در سال‌های اخیر خبر داده است. گویی این کشورها از دید و گزند رسانه‌های مصنوع هستند و فقط کشورهایی مانند ایران وظیفه پر کردن خیرهای دروغین و دلپره‌آور در مورد خطر هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی را برعهده دارند.

صاحبان کلاهک‌های هسته‌ای در جهان

براساس گزارش بولتن دانشمندان اتمی «Nuclear Notebook» امروزه باور بر این است که روسیه با ۴۳۰۰ سلاح هسته‌ای دارای بیشترین سلاح در این حوزه است. آمریکا نیز با چهار هزار سلاح دومین دارنده تسلیحات هسته‌ای است. از حدود ۱۵ هزار سلاح هسته‌ای ۹۴۰۰ عدد آن قابلیت استفاده دارند و مابقی آنها از رده خارج شده یا در حال نابودی هستند. تقریباً ۴۰۰۰ سلاح اتمی آماده کار موجود است که ۱۸۰۰ عدد از آنها قابل استفاده فوری هستند.

سلاح هسته‌ای؛ ترمز ماشین جنگ جهانی سوم
حال تاریخ جهان خودبه‌بهترین شاهد و گواه این موضوع خواهد بود که آیا بشریت مجدداً دست به استفاده از این سلاح برای تسلیم کردن کشور دیگری خواهد زد یا سلاح هسته‌ای خود به ابزاری تبدیل شده است که مانعی بزرگ برای بشریت قلمداد می‌شود که کشورها را از یک جنگ جهانی دیگر منع می‌دارد و به‌عنوان یک بازدارنده از وقوع جنگ بین‌المللی دیگری نقش آفرینی می‌کند.

پروژه کنار گذاشته شد و ادوارد تلر هدایت عملی پروژه ساخت بمب هیدروژنی را برعهده گرفت. نخستین آزمایش بمب گرم‌هسته‌ای با اسم رمز «مایک» در نوامبر سال ۱۹۵۲ در جزیره کوچکی به نام «الوگالب» در جزایر مارشال انجام شد. وزن تجهیزات به‌کاررفته در